

Qualitative Study of the Platforms and Motivations of Kerman Women's Participation in Empowerment Programs

Zahra Ghasemzade: Ph.D. student in sociology, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran. ghasemzadeh112@gmail.com

Manuchehr Alinezhad*: Assistant professor, department of cooperatives and social welfare, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran. m.alinejad@yazd.ac.ir

Hossein Afrasiabi: Associate professor, department of sociology, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran. hafraziabi@yazd.ac.ir

Dariush Boostani: Associate professor, department of sociology, faculty of social sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. dboostani2002@yahoo.com

Abstract

Introduction: Women empowerment is a crucial means of achieving gender equality and improving living conditions for women. Over the past few decades, many government and non-governmental organizations around the world, including in Iran, have pursued empowerment programs. Kerman City is also implementing such programs. This study explores the motivations and reasons behind women's participation in these empowerment initiatives.

Methods: This research adopted a qualitative approach, utilizing the data-based method proposed by Strauss and Corbin. Participants were selected through purposive and theoretical sampling, specifically women who had taken part in empowerment programs. In total, fifteen in-depth semi-structured interviews were conducted until theoretical saturation was achieved.

Results: From the data analysis, several categories emerged, including family breakdown, learned hardship, feelings of failure and loneliness, determination, the necessity of work, empathy and support for others, and economic challenges.

Conclusions: The findings indicate that the motivations for Kerman women's participation in empowerment programs are grounded in the central themes of environmental determinism and risk-taking. The living conditions and personal characteristics of the women involved provide a conducive environment for their successful engagement in these empowerment initiatives.

Keywords

Women's Empowerment, Grounded Theory, Environmental Determinism, Risk-Taking

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 14 Dec 2023
Accepted: 16 May 2024

Please cite this article as follows:

Ghasemzade Z, Alinezhad M, Afrasiabi H, and Boostani D. Qualitative study of the platforms and motivations of Kerman women's participation in empowerment programs. *Quarterly Journal of Social Work*. 2023; 12 (4); 46-56

مطالعه کیفی بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان شهر کرمان در برنامه‌های توانمندسازی

زهرا قاسم‌زاده: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. ghasemzadeh112@gmail.com
منوچهر علی‌نژاد*: استادیار، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. m.alinejad@yazd.ac.ir
حسین افراسیابی: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. hafrasiabi@yazd.ac.ir
داریوش بوستانی: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. dboostani2002@yahoo.com

چکیده

واژگان کلیدی

توانمندسازی زنان، نظریه داده‌بنیاد، جبر محیطی، ریسک‌پذیری

* نویسنده مسوول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷

پیشگفتار: توانمندسازی زنان یکی از راه‌های دستیابی آنان به برابری جنسیتی است. توانمندسازی به آنان در جهت بهبود شرایط زندگی کمک می‌کند. در طول دهه‌های گذشته برنامه‌های توانمندسازی در سراسر دنیا و همچنین ایران توسط سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد پیگیری شده است. در شهر کرمان نیز برنامه‌هایی در این زمینه در حال اجراست. پژوهش حاضر این بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان در فرآیند برنامه‌های توانمندسازی را بررسی می‌کند.

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین انجام شده است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه زنانی بودند که در برنامه‌های توانمندسازی شرکت داشتند و با روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. بر اساس معیار اشباع نظری، پانزده مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با آنان انجام شد.

یافته‌ها: در این مطالعه براساس روش داده‌بنیاد مقوله‌های «گسست خانواده، مشقت آموخته، زیست در ناکامی و تنهایی، اراده‌مندی، جوهره‌مندی کار، دیگری همدل و تسهیلگر، تنگنای معیشتی» بر ساخت شدند.

پی‌آمد: یافته‌های پژوهش نشان داد که بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان شهر کرمان در برنامه‌های توانمندسازی تحت مقوله مرکزی جبر محیطی و ریسک‌پذیری قرار می‌گیرد. شرایط زندگی و ویژگی‌های زنان حاضر در پژوهش، زمینه مناسبی برای حضور موفق زنان در برنامه‌های توانمندسازی را فراهم نموده است.

زهرا قاسم‌زاده، منوچهر علی‌نژاد، حسین افراسیابی و داریوش بوستانی. مطالعه کیفی بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان شهر کرمان در برنامه‌های توانمندسازی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۲؛ ۱۲ (۴): ۵۶-۶۶

نحوه استناد به مقاله

دبیاجا

زنان حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و نقش برجسته‌ای در توسعه جامعه دارند، اکثر تحقیقات انجام شده در مورد وضعیت زنان در کشورهای در حال توسعه نشان‌دهنده نابرابری بین زنان و مردان است. به‌عنوان نمونه از نابرابری در آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، حقوق و دسترسی به منابع و نابرابری در قدرت و اقتصاد می‌توان نام برد. [۱] بررسی‌های انجام‌شده طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و نابرابری‌های جنسیتی قرار دارند. [۲] در نتیجه به‌منظور کاستن از فقر و نابرابری برنامه‌های توانمندسازی زنان پیشنهاد و اجرایی گردید.

توانمندسازی را می‌توان به فریره نسبت داد. او معتقد بود آموزش به‌عنوان ابزاری برای رهایی افراد به‌حاشیه رانده‌شده که بر اثر چالش نابرابری‌های اجتماعی در آمریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اتفاق افتاده بود مفید است. [۳] همچنین سابقه فعالیت‌های توانمندسازی را می‌توان به اهداف توسعه هزاره، نسبت داد که یکی از آن‌ها، توانمندسازی زنان و حمایت از برابری زنان و مردان بود. توانمندسازی زنان به‌عنوان ابزاری برای کاهش فقر، گرسنگی و دستیابی به رفاه کلی خانواده در نظر گرفته شده است. [۴] گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ نیز توانمندی را یکی از چهار بند اصلی الگوی توسعه انسانی می‌داند. توانمندسازی به معنی مشارکت کامل مردم در تصمیمات و فرآیندهایی است که زندگیشان را شکل می‌دهد. [۴] توانمندسازی زنان به‌عنوان یک فرآیند، ظرفیت فردی یا گروهی را برای انتخاب و تبدیل انتخاب‌ها به اقدامات و نتایج مطلوب افزایش می‌دهد. در اصل، توانمندسازی از تغییر خود تعیین کننده سخن می‌گوید. اصطلاح توانمندسازی اغلب برای توصیف فرآیندی استفاده می‌شود که در آن فرآیند به افراد کم توان، در کنترل منابع و تصمیمگیری سهم بیشتری می‌دهند. [۵] فرآیند دقیقی مانند یک فرآیند تغییر اجتماعی است، که در آن زنان توانایی خود را برای داشتن و ابراز عقایدی افزایش می‌دهند که با نگرش‌های رایج همسو نیستند و به الگوهایی در جوامع تبدیل می‌شوند. در نتیجه جامعه قادر به بسیج و سازماندهی فردی و جمعی برای تغییر اجتماعی است. [۶] بنابراین، اصطلاح توانمندسازی چندبعدی و یک فرآیند اجتماعی است که به افراد کمک می‌کند تا بر زندگی خود کنترل داشته باشند. [۷] توانمندسازی نه تنها به‌عنوان قدرت اقتصادی بلکه به‌عنوان یک فرآیند تغییر اجتماعی، هم عملی فردی و هم زمینه‌ای است. [۸] توانمندسازی فرآیندی است که در آن زنان آنچه را که می‌توانستند انجام دهند و آنچه را که قبلاً نمی‌توانستند انجام دهند، توصیف و بازآفرینی می‌کنند. توانمندسازی می‌تواند شامل اقداماتی برای بهبود وضعیت زنان از طریق آموزش، افزایش آگاهی و سوادآموزی باشد. زنان قادر به افزایش اعتمادبه‌نفس برای ایفای نقش و مشارکت فعال در تصمیمگیری در مورد مساله‌های مختلف جامعه هستند. [۹] در چارچوب تحلیل جنسیت در کشورهای مختلف پنج نوع سیاستگذاری برای تغییر موقعیت زنان اجرا شده یا در حال اجراست که عبارتند از: دیدگاه‌های رفاه و خیریه؛ دیدگاه حقوقی؛ دیدگاه ضدفقر؛ دیدگاه کارایی؛ و دیدگاه تواناسازی. در مجموع تا قبل از سال‌های ۱۹۷۵ در سطح بین‌المللی سیاست‌های توسعه‌ای درباره زنان برای حل مساله رفاهی آن‌ها وجود داشت ولی در نگرش جدید زن تنها دریافت‌کننده حمایت‌ها نیست بلکه تولیدکننده، مشارکت‌کننده و در عین حال برخوردار شونده از امکانات به‌دست‌آمده در فرآیند توسعه است. [۱۰] از نظر آمارتیا سن، توانمندسازی زنان از طریق ایجاد فرصت‌های اشتغال، ترتیبات آموزشی، حقوق مالکیت، آزادی بیشتری به آن‌ها می‌دهد که موضوعات گوناگونی چون توزیع خدمات درمانی، غذا و سایر کالاها در درون خانوار و نیز کار و نرخ باروری را تحت نفوذ قرار می‌دهد. از نظر فعالیت‌های اقتصادی، نتیجه مشارکت زنان در امور اقتصادی، تنها ایجاد درآمد برای زنان نیست بلکه فراهم‌ساختن فواید اجتماعی حاصل از ارتقای وضعیت زنان و استقلال ناشی از آن نیز مورد نظر می‌باشد. بنابراین، مشارکت زنان در امور اقتصادی هم پاداش خود را دارد و هم بر تغییرات کلی اجتماعی تأثیری عمده می‌گذارد. [۱۱] از منظر نایلا کبیر فرآیند توانمندسازی، قدرت اجتماعی را به سه روش مهم تغییر می‌دهد: به چالش کشیدن ایدئولوژی‌هایی که نابرابری‌های اجتماعی را توجیه و حفظ می‌کنند؛ تغییر الگوهای موجود دسترسی و کنترل بر منابع اقتصادی طبیعی فکری و تغییر ساختارهایی که نابرابری‌های قدرت را تقویت و حفظ می‌کند. عاملیت، بعد ذاتی توانمندسازی است و به فرآیندی اشاره دارد که در آن انتخاب‌ها انجام و عملی می‌شود. [۱۲] عاملیت ساختارهایی مانند هنجارها، آداب و رسوم و چارچوب‌های نهادی هستند که می‌توانند حکم کنند که بی‌عدالتی وجود ندارد یا این که ناعادلانه یا ظالمانه نیست. [۱۳] موضوع توانمندسازی زنان به‌عنوان عاملیت از جایگاه زنان به‌عنوان عوامل تغییر و نه به‌عنوان دریافت‌کنندگان تغییر پدید آمد. اهمیت این تعریف در رویکرد پایین به بالا (به‌جای

رویکرد از بالا به پایین) به توسعه برجسته شده است. عنصر عاملیت، زنان را به عنوان بازیگران مهم تغییر در نظر می‌گیرد. [۱۴] منابع به ابزارهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها عاملیت اعمال می‌شود. [۱۳] سارا لانگه معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل طی شود. رفاه به عنوان پایتترین سطح توانمندسازی و کنترل بالاترین سطح آن است که با ورود به عرصه عمل حاصل می‌شود و به معنی کنترل داشتن بر فرآیند تصمیم‌سازی از طریق آگاهی و بسیج نیروهاست که خود منجر به برابری در کنترل بر تولید و توزیع منافع می‌شود. [۱۵]

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه ابعاد متفاوتی را نشان می‌دهد. یکی از پژوهش‌ها نشان‌دهنده توانمندی اقتصادی و استقلال زنان با دسترسی به فرصت‌های شغلی است. ظرفیت اقتصادی بالاتر به آن‌ها استقلال بیشتری می‌دهد و آن‌ها را برای انتخاب برخی از انتخاب‌های زندگی خانوادگی و استراتژیک آسوده می‌کند. افزایش دسترسی به فضاهای عمومی و آگاهی در مورد حق انتخاب زندگی آن‌ها باعث افزایش عزت نفس آن‌ها شده است. [۳] یکی دیگر از پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان دارای عاملیت قابل مشاهده و آگاهی انتقادی بالاتر تمایل بیشتری برای به دست آوردن عاملیت در برخی فعالیت‌های توانمندساز دارند. [۱۶] پژوهش دیگری نشان می‌دهد زنانی که به خود متکی هستند، به سایر زنان احترام می‌گذارند، قادر به تصمیم‌گیری هستند و ارزش خود را احساس می‌کنند، امکانات بهداشتی بهتری برای زنان و کودکان، آگاهی بهتر از حقوق خود، برابری جنسیتی، مشارکت زنان و مشارکت در عملکرد شغلی دارند. [۱۷] بنابراین، توانمندسازی زنان تاثیر زیادی بر سلامت، تغذیه، آموزش و رفاه کلی جوامع و همچنین کودکان و خانواده‌ها دارد و باعث

افزایش دسترسی زنان به آموزش، مالکیت دارایی و تصمیم‌گیری، افزایش سلامت، آموزش کودکان و دسترسی به امکانات پزشکی و در نتیجه کاهش قابل توجه فقر شده است. [۱۸] از سوی دیگر، نگرش‌های جنسیتی و این که همسران به تصمیم‌گیری زنان در خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند یا در مورد نقش زنان برای تصمیم‌گیری در امور خانواده به توافق می‌رسند، دارای اهمیت است. [۱۹] همچنین زنانی که احساس حمایت بیشتر از سوی همسر و خانواده داشتند موفقیت بیشتری در پروژه توانمندسازی کسب نموده و این حمایت خانواده نقش جدایی‌ناپذیر مردان و خانواده گسترده‌تر در فرآیند توانمندسازی زنان را نشان می‌دهد. [۲۰] پژوهش دیگری نشان داد که متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و دسترسی به اطلاعات به طور قابل توجهی با توانمندسازی زنان مرتبط بودند. زنان بارور سرپرست خانوار دارای فرزند در گروه‌های سنی، سطح تحصیلات و شاخص ثروت بالاتر که درگیر کار حرفه‌ای بوده و به اطلاعات دسترسی داشتند توانمندتر گزارش شده‌اند. [۲۱] از میان پنج عامل: تصمیم‌گیری، تحرک، ارتباط با مدرسه بچه‌ها، کمک گرفتن از اقوام، تصمیم‌گیری روزانه در خانواده؛ تصمیم‌گیری بیشترین تاثیر را بر توانمندسازی زنان داشته و از سوی دیگر هم زنان مستتر و هم زنان دارای مزایای بیشتر نسبت به جوانترها توانمندتر هستند. [۲۲] در پروژه‌های توسعه، توانمندسازی اغلب به صورت محدود و به طور فزاینده‌ای در ارتباط با توانمندسازی اقتصادی تعبیر می‌شود. مردان در تضعیف فرصت‌های اقتصادی زنان یا حمایت از آن تاثیر دارند و استقلال زنان به شدت به ارتباط آن‌ها با دیگران بستگی دارد. [۲۳] پژوهش دیگری که در ایران انجام شده به این امر می‌پردازد که توانمندسازی اقتصادی با بهبود دسترسی مالی افزایش می‌یابد. همچنین متغیرهای امید به زندگی، تحصیلات و هزینه‌های زندگی رابطه مثبت و معنادار و متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی رابطه معنادار و منفی با توانمندسازی اقتصادی دارند. [۲۴] همچنین بر اساس نتایج پژوهش دیگری، از میان راهبردهای متنوع در توانمندسازی بانوان سرپرست خانوار «گسترش کارگاه‌های کسب و کار زنان»، «بهبود انسجام اجتماعی و شبکه روابط بانوان»، «جذب سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات» و «حمایت از خوداشتغالی زنان» بیش از دیگر استراتژی‌ها می‌تواند به توانمندسازی موثرتر زنان سرپرست خانوار و قدرت‌یابی آن‌ها در تامین معیشت پایدار و مدیریت مناسب‌تر خانواده‌های آنان کمک کند. [۲۵] از دیگر سو، توانمندسازی زنان باید هم غیرمقطعی و تداومی باشد و هم در همه ابعاد صورت پذیرد که عبارتند از: «توانمندی جسمی»، «توانمندی روانی»، «توانمندی اقتصادی»، «توانمندی اجتماعی»، «توانمندی سیاسی»، «توانمندی فرهنگی» و «توانمندی حقوقی». [۲۶] از سوی دیگر بین توانمندسازی زنان و عوامل اقتصادی چون دسترسی به شغل دارای درآمد، نوع شغل، میزان درآمد، دسترسی به تسهیلات بانکی، تحت پوشش نهاد

ندارد. از آن‌جا که برنامه‌های توانمندسازی متعددی در شهر کرمان اجرا شده یا در حال اجرا می‌باشد، آگاهی از انگیزه‌ها و بسترهای مشارکت زنان در این فرآیندها دارای اهمیت می‌باشد. به دلیل نقش اثرگذار زنان در خانواده و تاثیر این نقش در توسعه و پیشرفت جامعه؛ لزوم مطالعه انگیزه‌ها و بسترهای مشارکت زنان در فرآیندهای توانمندسازی زنان دارای اهمیت می‌باشد. به دلیل این که در شهر کرمان سازمان‌ها و گروه‌های متعدد در مناطق مختلف شهر به اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان مشغولند، مطالعه این بسترها و انگیزه‌ها می‌تواند در برنامه‌ریزی و اجرای این فرآیندها و جمعیتی که تحت پوشش این برنامه‌ها قرار گرفته موثر واقع شود. چرا که تعداد زیادی در این برنامه‌ها مشارکت دارند اما تعداد افرادی که توانمند شده و برای خروج از وضعیت موجود خود و بهبود شرایط زندگی اقدام می‌کنند، کمتر از افراد مشارکت کننده در این برنامه‌ها است. بنابراین پژوهش حاضر با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، بسترها و انگیزه‌های مشارکت زنان شهر کرمان در فرآیند توانمندسازی و کنش‌های آنان را مورد کند و کاو کیفی قرار می‌دهد.

حمایتی بودن، قدرت پس‌انداز، و برخورداری از حق مالکیت قانونی رابطه معناداری وجود دارد. [۲۷] همچنین در پژوهشی نشان داده شد که الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی، در قالب پنج مضمون سازمان‌دهنده دانش شخصی، دانش محیطی، نگرش شخصی، نگرش محیطی، مهارت شخصی و مهارت محیطی می‌باشد. [۲۸] پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی نگاهی از بیرون به برنامه توانمندسازی داشته و سعی بر این بوده که تاثیر این برنامه‌ها در زندگی زنان مورد توجه قرار گیرد اما این‌که زنان چگونه در این فرآیندها مشارکت داشته، چه کنش‌هایی داشته و انگیزه‌ها و بسترهای حضور و مشارکتشان در برنامه‌های توانمندسازی چه بوده؛ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از آن‌جا که یکی از آرمان‌های توسعه پایدار، دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی تمامی زنان و دختران می‌باشد، در این زمینه فعالیت‌های متعددی در سراسر دنیا و ایران انجام شده که در ایران سابقه انجام فعالیت‌های توانمندسازی به جهاد کشاورزی، بهزیستی، کمیته امداد، استانداری، شهرداری‌ها و سایر نهادهای دولتی و مردم‌نهاد می‌رسد که اولویت با زنان سرپرست خانوار، زنان حاشیه‌نشین و سایر زنان نیازمند دریافت خدمات می‌باشد. طبق آخرین آماري که مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری در سیزده اردیبهشت ۱۳۹۹ بیان نموده در استان کرمان نه‌صد هزار زن در شهر و هفتصد هزار زن در روستا سکونت دارند. همچنین به این نکته اشاره شده است که کرمان در آمار زنان سرپرست خانوار رتبه چهارم کشوری را دارد. اما آمارها نشان می‌دهد که تعداد زنان سرپرست خانوار طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۰ رشد بیست و سه و یک دهم درصدی داشته است. همچنین جمعیت حاشیه‌نشین شهر کرمان صد و بیست هزار نفر برآورد گردیده است. از سوی دیگر آمار دقیقی از افرادی که تحت پوشش پروژه‌های توانمندسازی قرار می‌گیرند، وجود

روش

پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی بوده. در این پژوهش از نظریه داده‌بنیاد با رویکرد سیستماتیک اشتراوس و کوربین استفاده شده است. در این رویکرد پژوهشگر در پی شکل‌دهی نظام‌مند یک نظریه برای تبیین فرآیند، اقدام و تعامل به یک موضوع است. نظریه داده‌بنیاد مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود. نظریه‌ای که این گونه از داده‌ها استخراج شده باشد، نسبت به نظریه‌ای که با کنار هم گذاشتن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه یا صرفاً حدس و گمان شکل می‌گیرد ممکن است بیشتر به واقعیت نزدیک باشد. [۲۹]

جامعه آماری پژوهش حاضر زنان مشارکت کننده در برنامه‌های توانمندسازی سازمان‌های دولتی کمیته امداد امام خمینی، بهزیستی، استانداری، بنیاد برکت و... و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد شهر کرمان است، در این برنامه‌ها عموماً زنانی حضور دارند که به دلایل مختلف نیاز به حمایت مالی برای راه‌اندازی کسب و کار خود دارند و سازمان‌های دولتی با پرداخت وام و سازمان‌های مردم‌نهاد با معرفی به نهادهای مرتبط برای دریافت وام و یا کمک افراد خیر زمینه این امر را

فراهم می‌نمایند.

نمونه‌گیری در پژوهش حاضر به صورت نظری، هدفمند و با استراتژی حداکثر تنوع است. نمونه‌گیری نظری تراکمی یا تجمعی است. هر واقعه‌ای که به منزله نمونه برگرفته می‌شود از داده‌ها و تحلیل قبلی منشا می‌گیرد و به آن افزوده می‌شود. [۲۹] در نمونه‌گیری هدفمند باید در مورد این که چه کس یا چه چیزی نمونه‌گیری شود، چه نوعی از نمونه‌گیری استفاده شود و چه تعداد افراد یا محل نمونه‌گیری شوند تصمیم‌گیری کرد. از سوی دیگر، استراتژی حداکثر تنوع، مستلزم این است که پیشاپیش معیاری برای تفکیک محل‌ها یا مشارکت‌کنندگان تعیین کرد و سپس محل‌ها یا مشارکت‌کنندگانی را انتخاب کرد که کاملاً از نظر این معیارها متفاوت باشند. [۳۰] بنابراین با توجه به رویکردهای فوق تا رسیدن به اشباع نظری با پانزده نفر از زنان مشارکت‌کننده در پروژه‌های توانمندسازی مصاحبه انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده گردید و از مشارکت‌کنندگان در مورد انگیزه‌ها و بسترهای مشارکتشان در پروژه‌های توانمندسازی و ادامه این مسیر سوال شد. در نظریه داده‌بنیاد، تحلیل داده‌ها با استفاده

از کدگذاری انجام می‌شود که عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌ها، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. فرآیند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی کدگذاری محوری نامیده می‌شود. کدگذاری گزینشی، یکپارچه کردن و پالایش نظریه است که پژوهشگر می‌تواند نوعی داستان بنویسد که طبقات را به هم مرتبط می‌سازد یا می‌تواند به جای این کار، گزاره‌ها یا فرضیه‌هایی عرضه کند که حاکی از روابط پیش‌بینی شده بین طبقات باشد. [۲۹]

ملاحظات اخلاقی: رضایت مصاحبه‌شوندگان برای مصاحبه جلب شد. سپس در گفتگوی اولیه بین پژوهشگران و مصاحبه‌شوندگان اهداف کار توضیح داده و بر این نکته تاکید گردید که صرفاً یک کار علمی انجام خواهد شد و هیچ‌گونه تبعات منفی برایشان به همراه نخواهد داشت. همچنین به افراد اطمینان داده شد که نام، مشخصات فردی و فایل‌های صوتی مصاحبه آنان به هیچ‌وجه منتشر نخواهد شد. در ثبت داده‌ها و نقل‌قول‌ها نیز از نام مستعار استفاده گردید.

قابلیت اعتماد و پایایی: برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از سه تکنیک -ممیزی، -بررسی از سوی افراد و -اعتباریابی مقایسه‌های تحلیلی استفاده شده است. در تکنیک ممیزی، یک یا چند محقق کیفی کار در انتهای پژوهش همه مراحل پژوهش را بررسی و تایید می‌نمایند. در تکنیک بررسی از سوی افراد، از مشارکت‌کنندگان درخواست می‌شود که هم در خلال کار و هم در مرحله تنظیم گزارش، مقولات و یافته‌های پژوهش را ملاحظه و درباره صحت آن‌ها نظر دهند. در تکنیک سوم، یک بار دیگر به داده‌های خام رجوع گردیده و ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شد. [۳۰]

یافته‌ها

جدول شماره دو مفاهیم، مقوله‌های اصلی و فرعی و مقوله مرکزی مستخرج از مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. مقوله مرکزی به‌دست آمده، جبر محیطی و ریسک‌پذیری و به این معناست که زنان مشارکت‌کننده در پژوهش، بر اساس آنچه که ناشی از شرایط زندگی آنان بوده به این نتیجه رسیده‌اند که باید برای خود فکری کرده و بسیاری از مسأله‌های پیش‌آمده خارج از اراده و خواست آنان بوده، از سوی دیگر این افراد ریسک کرده و کاری را آغاز کرده‌اند. این مقوله مرکزی شامل هفت مقوله است که شامل گسست خانواده، مشقت آموخته، زیست در ناکامی و تنهایی، اراده‌مندی، جوهره‌مندی کار، دیگری همدل و تسهیلگر و تنگنای معیشتی است.

گسست خانواده: این مقوله به معنای این است که مشارکت‌کنندگان در خانواده‌هایی زندگی می‌کردند که به دلایل مختلف دچار گسیختگی بوده و زندگی معمولی نداشته‌اند. این گسست و نبود اعضای خانواده در کنار یکدیگر به دلایلی چون ازدواج مجدد پدر یا همسر، جدایی از همسر، خیانت همسر یا پدر، جدایی والدین، دوری از خانواده و... بوده است. در واقع افراد زندگی عادی و معمولی مانند سایر اعضای جامعه نداشته‌اند. این مقوله شامل مفاهیم: ازدواج مجدد یا خیانت پدر یا همسر، جدایی والدین و زندگی دور از خانواده است. فاطمه می‌گوید: «ما شیش تا بچه بودیم که پدرم رفت پنهون از مادرم، زن دوم گرفت، ما رو ول کرد به حال خودمون. مادرم طاعت نداشت ازش جدا شد. بدبختیای ما از اون موقع

شروع شد.»

مشقت آموخته: این مقوله بیان می‌دارد که افراد سختی کشیدن و زندگی سخت را یاد گرفته و بخش مهمی از زندگیشان این مشقت‌ها و سختی‌ها بوده که با آن روبرو بوده‌اند. بسیاری از این افراد از دوران کودکی‌شان مسوولیت‌هایی چون خانه‌داری و نگهداری از خواهر و برادر کوچکتر را بر عهده داشته و از سوی دیگر به دلیل این مسوولیت‌ها از ادامه تحصیل بازمانده‌اند. همچنین برخی که از کودکی به طور سنتی باید مهارت‌هایی را می‌آموختند مانند قالی‌بافی، خیاطی، سوزن‌دوزی و... و برخی نیز از کودکی و نوجوانی شغلی را بر عهده گرفته‌اند. چنین فعالیت‌هایی باعث شده که این زنان مشقت‌ها و رنج‌هایی را تجربه کنند که به مرور بخشی از زندگیشان شده است. این مقوله شامل مفاهیم: داشتن زندگی سخت، کار کردن و رها کردن درس و انجام کارهای منزل از کودکی است. مریم می‌گوید: «وقتی دو سالم بود پدر و مادرم از هم جدا شدن، اول خونه پدر بزرگ پدریم زندگی می‌کردم، پدرم ازدواج کرد و زنش منو قبول نمی‌کرد، بعد از مدتی پدر بزرگ مادریم اومد منو آورد خونه خودشون که کرمان بود، مادرم بعد از مدتی ازدواج کرد و رفت پی زندگیش، از وقتی پنج، شش ساله شدم تو کارای خونه کمک می‌کردم و هر چی که بزرگتر شدم کارای بیشتری باید انجام می‌دادم هم کارای پدر بزرگ و مادر بزرگم و هم خانواده داییم؛ همه کارا با من بود، آخرای شب درس می‌خوندم، و قتیتم از مدرسه می‌اومدم باید ظرف می‌شستم، جارو می‌کردم، لباس می‌شستم.»

زیست در ناکامی و تنهایی: این مقوله نشان می‌دهد که زنان نوعی ناکامی و تنهایی را در زندگیشان تجربه کرده‌اند. برخی از آنان در زندگی مشترک دچار ناکامی بوده‌اند که ناشی از جدایی، خیانت و مسوولیت‌پذیر نبودن همسر بوده و به این دلیل رنجی را تحمل می‌کردند، از سوی دیگر آن‌ها در تنهایی هم زندگی می‌کردند چون به این نتیجه رسیده بودند که تنها خودشان هستند که باید بار زندگی را به دوش بکشند و تمام مشکلات را بتوانند حل کنند. بنابراین سعی می‌کردند از وابستگی خود به دیگران کاسته و متکی به خود باشند. این مقوله شامل مفاهیم: ناکامی در زندگی مشترک و اتکا به خود است. مهری می‌گوید: «کم کم به این نتیجه رسیدم که نمی‌تونم به شوهرم تکیه کنم، اون برای من تکیه‌گاه نیست بیشتر یه باری رو دوش منه که جلوی پیشرفتم می‌گیره. سعی کردم از اون شرایط در بیام. سعی کردم خودم مشکلاتمو حل کنم، کم کم از وابستگی به بقیه کم کنم و یه فکری برای خودمو و بچه‌هام بکنم.»

اراده‌مندی: این مقوله به این معناست که زنان تمام تلاش خود را به کار می‌بردند تا به آنچه می‌خواهند برسند، بنابراین با شرایط فعلی و تمام ناملایمات زندگی کنار آمده، تلاش کردند وضعیت زندگی خود را تغییر داده و در این راه مقاومت داشتند. این زنان تمام تلاششان

جدول (۱) مشخصات افراد مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	نام مستعار	سن	شغل	وضعیت	تعداد فرزندان
۱	مریم	۴۶	شیرینی‌پزی و پته‌دوزی	متاهل (همسر دوز)	۲
۲	سحر	۳۰	پته‌دوزی	متاهل	۲
۳	زهره	۴۰	بافندگی	متارکه	۲
۴	شکوفه	۳۸	سوپرمارکت	متارکه	۲
۵	نسرين	۳۹	شیرینی‌پزی	متاهل	۱
۶	سمیه	۳۸	شیرینی‌پزی	مجرد	۰
۷	سکینه	-	شیرینی‌پزی	متارکه	۶
۸	فاطمه	۳۱	خیاطی	متاهل	۲
۹	مهری	۴۱	خیاطی	متاهل	۳
۱۰	پروین	۴۱	فروش لباس، آرایشگری	متارکه	۰
۱۱	محبوبه	۳۸	تولید وسایل زینتی، پته‌دوزی	متارکه	۱
۱۲	عارفه	۳۴	آرایشگاه	متارکه	۱
۱۳	راضیه	۴۰	خیاطی	متاهل	۲
۱۴	زینب	۴۷	خیاطی، محصولات خانگی	متاهل	۳
۱۵	مهدیه	۴۱	آرایشگاه مراقبت‌های پوستی	مجرد	۰

جدول (۲) مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

مقوله مرکزی	مقوله‌ها	مفاهیم
جبر محیطی و ریسک‌پذیری	گسست خانواده	ازدواج مجدد یا خیانت پدر/همسر، جدایی والدین، زندگی دور از خانواده
	مشقت آموخته	داشتن زندگی سخت، کار کردن و رها کردن درس، انجام کارهای منزل از کودکی
	زیست در ناکامی و تنهایی	ناکامی در زندگی مشترک اتکا به خود
	اراده‌مندی	اهتمام به تغییر گشودگی بر ناملایمات مقاومت
	جوهره‌مندی کار	شوق اشتغال آزمودن و ایجاد شغل
	دیگری‌همدلی و تسهیلگر	همدلی و همراهی راهنمایی و هدایت
	تنگنای معیشتی	تعلیق نقش نان‌آوری پدر/همسر فقر مالی فقدان جایگزین (ناچاری)

را به کار می‌بردند که زندگیشان را بسازند، با رسیدن به استقلال مالی وضعیت زندگی خود و فرزندانشان را تغییر داده و به سمت تغییر زندگی خود بروند. از سوی دیگر این افراد با پذیرش وضعیت فعلی خود، سعی می‌کردند با چالش‌ها روبرو شده، برای حل آن‌ها راه‌حل پیدا کرده و با تنهایی خود کنار بیایند. همچنین در کارشان استمرار داشته، سرسخت بوده و از زمان استراحتشان برای کارکردن می‌گذشتند تا به موفقیت برسند.

راضی می‌کنه، برای همین شروع کردم با دست بافتن، بعدشم ماشین بافتنی گرفتم و کار با ماشین رو یاد گرفتم و کارمو ادامه دادم.»

دیگری همدل و تسهیلگر: مقوله فوق نشان‌دهنده این است که زنان گرچه بار اصلی زندگیشان را به دوش می‌کشند اما از سوی اطرافیان نیز مورد حمایت و همراهی قرار گرفته‌اند که هم در زمینه مادی به صورت محدود و هم حمایت عاطفی بوده است، همچنین افرادی در کنار آنها حضور داشته‌اند که در زمینه کسب و کار، یادگیری مهارت و دریافت حمایت از سازمان‌های حمایت‌کننده به آنها مشورت داده‌اند. این مقوله شامل مفاهیم: همدلی و همراهی و هدایت و راهنمایی می‌باشد. نسرین می‌گوید: «اوایل که کارمونو شروع کرده بودیم همه می‌گفتن که شما نمی‌تونید اما شوهر خواهرم خیلی به ما کمک کرد، با ما می‌اومد برای خرید وسایل، کلاهای مختلف بهمون معرفی می‌کرد که شرکت کنیم، خواهر بزرگم بهمون شیرینی‌پزی یاد می‌داد، خانواده به ما کمک می‌کرد که کارمون راه بیفته، اوایل هم که کارگاه رو راه‌انداختیم تا سه ماه هر روز هشت نفر به ما کمک می‌کردن تا کار دستمون بیاد، درسته از نظر مالی کسی نمی‌تونست کمک کنه اما از نظر فکری و مشورت خیلی کمک می‌کردن.»

تنگنای معیشتی: مقوله فوق به معنای این است که زنان با مشکلات مالی زیادی مواجه بودند، از طرفی پدر یا همسر که سرپرست خانواده محسوب می‌شد نمی‌توانست نیازهای مالی خانواده را تامین نماید و این امر ناشی از مقروض بودن، ورشکستگی و... بود. از سوی دیگر زندگی خانواده در فقر مطلق و نداری بود در نتیجه برای آنها راهی برای گریز از مشکلات مالی و برآورده کردن نیازهای فرزندان وجود نداشت. این مقوله شامل مفاهیم: تعلیق نقش نان‌آوری پدر یا همسر، فقر مالی و فقدان جایگزین یا ناچاری است. محبوبه می‌گوید: «به جایی رسیده بودم که حتی نون خشکم نداشتم بخورم، خودمو پسر زندگی سختی داشتم، کرایه خونم مونده بود، نمی‌دونستم چه کار کنم، از زندگیم و نداری خسته شده بودم، برام خیلی سخت بود، چقدر قرض می‌کردم، مگه چقدر به یه زن تنها قرض می‌دادن، خانوادم شرایطی نداشتم که بتونن کمک کنن، برای همین شروع به کار کردم، اول رفتم تو یه کارخونه کار کردم، وقتی استراحتم می‌رفتم پیش خانم... کار یاد می‌گرفتم وقتی که دیگه مهارت‌ام کامل شد، برای وام اقدام کردم، بعد از این که وام گرفتم، از کارخونه اومدم بیرون، کار خودمو راه‌انداختم.»

این مقوله شامل مفاهیم: اهتمام به تغییر، گشودگی بر ناملایمات و مقاومت می‌باشد. زینب می‌گوید: «از یه جایی به بعد به خودم گفتم باید بلند بشم و زندگیمو بسازم، به پول نیاز داشتم باید کار می‌کردم، به بچه‌هام می‌رسیدم، یه جایی اجاره می‌کردم همه اینا پول می‌خواست. به خودم گفتم شرایط زندگی من اینه، شرایطمو پذیرفتم و با خودم گفتم خودم باید یه تغییری تو زندگیم بدم.»

جوهره‌مندی کار: این مقوله نشان می‌دهد زنان دوست داشتند کاری را انجام دهند و برای خودشان شغل داشته باشند برای همین تلاش کردند شغلی را برای خود ایجاد کرده، مهارت‌هایی را آموخته و برای راه‌انداختن شغلشان از افراد مختلف تجربه کسب کردند، در جاهای مختلف مشغول به کار شدند و هم این که مشاغل مختلف را آزمودند تا به یک شغل معین و درآمد ثابت برسند. این مقوله شامل مفاهیم: شوق اشتغال و آزمودن و ایجاد شغل است. زهره می‌گوید: «از وقتی که مجرد بودم یه سری کارای بافتنی انجام می‌دادم برای بقیه، در حد پول توجیبی بود. بعد از ازدوایم به همین شکل بود تا این که از همسر جدا شدم، اول رفتم شیرینی‌پزی یاد گرفتم و تو خونه شیرینی می‌پختم و به مغازه‌ها می‌فروختم، بعدش دیدم برام نمی‌صرفه، ترشی درست می‌کردم تو خونه، باز می‌بردم در مغازه‌ها می‌فروختم، می‌خواستم مغازه ترشی و سبزیجات بزنم گفتن باید مغازه یه شرایط خاصی داشته باشه تا سقف کاشی باشه و اینا، بازم در توانم نبود، خودمم از ترشی درست کردن خسته شده بودم، دوباره برگشتم به اصل خودم، دیدم فقط می‌تونم با همون بافتنی کار کنم و منو

پایان

به‌طور کلی بر اساس رویکرد جنسیت و توسعه یکی از سیاست‌گذاری‌های مهم برای تغییر موقعیت زنان دیدگاه تواناسازی است. گرچه رویکردهای دیگری نیز همچون رفاه و خیریه و... وجود دارد اما در این رویکرد، زنان تنها دریافت‌کننده حمایت‌ها نیستند بلکه تولیدکننده، مشارکت‌کننده و در عین حال برخوردار شونده از امکانات به‌دست‌آمده در فرآیند

به‌عنوان عوامل ایجادکننده تغییر سعی کرده‌اند در وضعیت زندگی خود تغییر ایجاد کنند. همچنین پژوهش وی و همکاران [۱۸]۲۰۲۱ نقطه مقابل این امر را می‌بیند که توانمندسازی زنان تأثیر زیادی بر سلامت، تغذیه، آموزش و رفاه کلی جوامع و همچنین کودکان و خانواده‌ها دارد و باعث افزایش دسترسی زنان به آموزش، مالکیت دارایی و تصمیمگیری، افزایش سلامت، آموزش کودکان و دسترسی به امکانات پزشکی و در نتیجه کاهش قابل توجه فقر شده است. همچنین سایر یافته‌ها نشان‌دهنده این است که این زنان اراده‌مند هستند، تمام مشکلات و ناملازمات زندگی را پذیرفته، سعی در تغییر شرایط زندگی خود داشته و از سوی دیگر مقاومت زیادی از خود نشان داده‌اند. اراده‌مندی زنان نیز به نوعی با عاملیت آنان به‌عنوان عوامل تغییر در ارتباط است، زنان به‌عنوان کنشگران عامل تغییر در زندگی خود هستند. بخش دیگری از یافته‌ها نشان می‌دهد زنان دوست داشتند که کسب و کاری داشته باشند، از این رو به مهارت‌آموزی چه به‌صورت شرکت در کلاس‌های آموزشی و چه یادگرفتن از دیگران و کارکردن نزد افراد مختلف پرداخته و از سوی دیگر مشاغل مختلف را مورد آزمون و خطا قرار داده تا شغل مورد علاقه خود را راه‌اندازی کنند. این بخش از یافته‌ها با یافته‌های پژوهش المامون و حقیه [۳]۲۰۲۲ که نشان می‌دهند توانمندی اقتصادی و استقلال زنان همراه با دسترسی به فرصت‌های شغلی است همسو است. ظرفیت اقتصادی بالاتر به آن‌ها استقلال بیشتری می‌دهد و آن‌ها را برای برخی از انتخاب‌های زندگی خانوادگی و استراتژیک آسوده می‌کند. همچنین نتایج پژوهش کلهری و محمدیان [۲۴]۲۰۲۱ نشان می‌دهد توانمندسازی اقتصادی با بهبود دسترسی مالی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، پژوهش جهان‌بین و همکاران [۲۷]۲۰۱۹ نشان می‌دهد بین توانمندسازی زنان و عوامل

توسعه‌اند، از نظر آماری‌تاسن نیز توانمندسازی زنان از طریق ایجاد فرصت‌های اشتغال می‌تواند منجر به تغییرات عمده در زندگی آنان شده. این مشارکت فواید بسیاری برای زنان در بر خواهد داشت. توانمندسازی زنان فرآیندی است که باعث می‌شود قدرت تصمیمگیری در زندگی زنان افزایش یافته و کیفیت زندگی آنان افزایش پیدا کرده و از وابستگی‌شان به دیگران کاسته می‌شود. این رویداد تغییر مهم زندگی زنان این بود. برنامه‌های توانمندسازی در جهان سابقه طولانی داشته و در ایران نیز طی دهه‌های گذشته به‌طور جدی پیگیری شده است. اما این که انگیزه‌ها و بسترهای مشارکت زنان در این فرآیند چیست، موضوعی است که پژوهش حاضر به آن پرداخته است. در این راستا با پانزده نفر از زنانی که در برنامه‌های توانمندسازی در شهر کرمان شرکت داشته‌اند، با روش داده‌بنیاد و با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مصاحبه‌هایی انجام شده است.

مقوله مرکزی کشف‌شده از پژوهش حاضر جبر محیطی و ریسک‌پذیری است و نشان می‌دهد تمامی زنان حاضر در برنامه‌های توانمندسازی به نوعی درگیر مساله‌ها و مشکلاتی در زندگی خود از کودکی تا زمان انجام پژوهش بوده‌اند و این مساله‌ها آنان را به سمت برنامه‌های توانمندسازی سوق داده و قدرت ریسک‌پذیری آنان نیز عامل بسیار مهمی در این مسیر بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد زنان مشارکت‌کننده در پژوهش دچار نوعی گسیختگی در خانواده بودند، چه خانواده اصلی آن‌ها که از کودکی زندگی می‌کردند و چه زندگی مشترکشان که منجر به جدایی گشته بود و برخی نیز تجربه زندگی با افرادی غیر از زندگی با پدر و مادر خود داشته‌اند، از سوی دیگر این زنان از کودکی و نوجوانی کار می‌کردند که شامل کار در منزل و خارج از منزل بوده و به نوعی مشقت و سختی را یاد گرفته بودند. همچنین زنان نوعی زیست در ناکامی و تنهایی را آموخته بودند. در زندگی مشترک به‌دلیل ازدواج اجباری، خساست همسر، نبود عشق و محبت در زندگی و احساس نارضایتی، احساس ناکامی می‌کردند. از طرف دیگر به این نتیجه رسیده بودند که تنها خودشان هستند که باید بار زندگی را بر دوش بکشند و نمی‌توانند هیچ انتظاری از دیگران داشته باشند و باید برای رسیدن به استقلال و کاهش وابستگی‌شان به دیگران تلاش کنند. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است تنگنای معیشتی یکی از دلایل و انگیزه‌هایی بوده که زنان را به سوی توانمندسازی پیش برد. همسر یا پدر خانواده به‌دلایل مختلف مقروض بوده و توانایی مالی نداشته، خانواده با فقر مالی مواجه بوده و از سوی دیگر، زنان چاره دیگری نداشتند و آن‌ها ناچار به تأمین مایحتاج و خود و فرزندان‌شان بوده‌اند. آن‌چنان که نایلا کبیر بر عاملیت زنان تأکید دارد که با به‌چالش کشیدن وضع موجود سعی می‌کنند تغییراتی در زندگی خود پدید آورند، بنابراین زنان حاضر در پژوهش فوق نیز پس از رویارویی با وضعیت دشوار خود،

شرایط خاص زندگی خود که ناشی از وضعیت خانوادگی و اجتماعی بوده و از سوی دیگر بسترهایی که در آن زندگی نموده‌اند، در برنامه‌های توانمندسازی مشارکت کرده و این مشارکت باعث تغییراتی در زندگی آنان گردیده و در نتیجه یکی از عوامل مهم توانمند شدن این زنان می‌باشد.

پیشنهادهای: بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، برای بهبود تاثیر فرآیندهای توانمندسازی، مطالعه انگیزه‌ها و زمینه‌های مشارکت زنان در این فرآیندها ضروری است. همچنین پیشنهاد می‌شود زنانی در این فرآیندها مشارکت داده شوند که انگیزه کافی داشته و از سوی دیگر از حضور مستمر آنان تا رسیدن به نتیجه نهایی اطمینان حاصل شود.

راه‌بست‌ها: یکی از محدودیت‌های اساسی در پژوهش حاضر، شناسایی زنان تحت پوشش برنامه‌های توانمندسازی و جلب رضایت آنان برای مصاحبه بود. برای برطرف نمودن این محدودیت سعی شد از افرادی که به‌طور مستقیم با این زنان در ارتباط بوده و اعتماد بین این افراد و زنان مورد نظر شکل گرفته بود استفاده شود و این افراد پس از شناسایی گروه هدف، یک جلسه برای آشنایی پژوهشگر و این زنان، با پژوهشگر همراهی نموده و به این صورت اعتماد افراد برای مشارکت در پژوهش جلب شد.

سیاسگزاری: پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی زنانی که در انجام پژوهش حاضر مشارکت نموده و افرادی که زمینه مصاحبه با زنان را فراهم کردند، تشکر و قدردانی خود را اعلام نمایند.

تضاد منافع: بین نویسندگان این مقاله هیچ گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

اقتصادی چون دسترسی به شغل دارای درآمد، نوع شغل، میزان درآمد، دسترسی به تسهیلات بانکی، تحت پوشش نهاد حمایتی بودن، قدرت پس‌انداز، و برخورداری از حق مالکیت قانونی رابطه معناداری وجود دارد. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد که یک دیگری هم‌دل و تسهیلگر در کنار اکثر این زنان قرار داشته که ضمن راهنمایی و هدایت آنان، تا حدودی هم تا جایی که در توانشان بوده حمایت کرده‌اند. آن‌چنان‌که پژوهش کولی و همکاران ۲۰۲۱ [۲۰] نشان می‌دهد زنانی که احساس حمایت بیشتر از سوی همسر و خانواده داشتند موفقیت بیشتری در توانمندسازی کسب نموده و این حمایت نقش جدایی‌ناپذیری در فرآیند توانمندسازی دارد. همچنین بخشی از پژوهش اسپارک، شارپ و کوچبرسکی ۲۰۲۰ [۲۳] نشان می‌دهد که استقلال زنان به شدت به ارتباط آن‌ها با دیگران بستگی دارد. به‌طور کلی پژوهش فوق نشان می‌دهد زنان براساس آنچه تحت عنوان مقوله هسته جبر محیطی و ریسک‌پذیری نامیده شده است، به‌عنوان کنشگرانی که عواملان تغییر در زندگی خود بوده‌اند بر اساس

منابع

References:

1. Choudhry AN, Rozita AM, Nur Syakiran Akmal I. Socio-cultural factors affecting women economic empowerment in Pakistan: A situation analysis. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*. 2019;90-102. <http://dx.doi.org/10.52567/pjsr.v3i3.228> <https://repo.uum.edu.my/id/eprint/26880/>
2. Shditalab Z, Vahabi M, Vermziar H. Income poverty is only one aspect of the poverty of female heads of the household. *Social Welfare Scientific Research Quarterly*. 2005;5(17):1-23. [Persian]. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2120-en.html>
3. Al Mamun A, Hoque M. The impact of paid employment on women's empowerment: A case study of female garment workers in Bangladesh. *World Development Sustainability*. 2022;1-11. <http://dx.doi.org/10.1016/j.wds.2022.100026>
4. Desai CH, Garg R. Empowering women to make strategic life choices: A Study. *Gender Equity: Challenges and Opportunities; Proceedings of 2nd International Conference of Sardar Vallabhbhai National Institute of Technology*. 2022;179-90. <https://doi.org/10.1007/978-981-19-0460-8> https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-981-19-0460-8_18
5. Chutia A. Women empowerment and its conceptual perspectives. *Journal of Positive School Psychology*. 2022;5171-6. <https://journalppw.com/index.php/jpsp/article/view/8351>
6. Adhariani D. Microfinance and the role of accounting in supporting family-resilience-based women's empowerment. *The Qualitative Report*. 2022;366-84. <https://doi.org/10.46743/2160-3715/2022.4249>
7. Mandal KC. Concept and types of women empowerment. *International Forum of Teaching and Studies*. 2013;17-30. <https://www.semanticscholar.org/paper/Concept-and-Types-of-Women-Empowerment-Mandal/9f4537a6345e288c93589e61e20b1ce82fd6c491>
8. Ng PY, Wood BP, Bastian BL. Reformulating the empowerment process through women entrepreneurship in a collective context. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*. 2021;154-76.

<http://dx.doi.org/10.1108/IJEBr-06-2021-0479>

9. Miskiyah N, Ridho SLZ, Hadi J, Purnamasari K. Women attribute and household level factor on women's empowerment. *Media Ekonomi dan Manajemen*. 2021;181-95. <http://dx.doi.org/10.24856/mem.v36i2.2124>

10. Ghaffari G. Women and social development. *Women'S Rights*. 2000. [Persian]. <http://noo.rs/Ee2Me>

11. Sen A, Development as Freedom. 2004. Oxford, UK [Persian]. <https://global.oup.com/academic/product/development-as-freedom-9780198297581?lang=en&cc=no>

12. Humphrey J. Promoting transformational change through women's economic empowerment: Connecting men, masculinities, and care work for a more equitable future. School of International Development and Global Studies, University of Ottawa. 2022;1-66. <https://ruor.uottawa.ca/items/936d1a37-75d5-4378-bd4e-78be12a326d4/full>

13. Konnie JM. Smallholder women empowerment: The case of norwegian agricultural programme in Senanga, Zambi. Lusaka: The University of Zambia. 2022. <http://dspace.unza.zm/handle/123456789/7507>

14. Al Hakim GB, Bastian BL, Ng PY, Wood BP. Women's empowerment as an outcome of NGO projects: Is the current approach sustainable? *Administrative Sciences*. 2022;1-23. <https://www.mdpi.com/2076-3387/12/2/62/>

15. Langwe SH. Gender awerness: The missing element in the third world development project. In Wallace T, Marsh C. a Chapter of "Changing Perceptions: Writing on Gender and Development" Oxfam: Oxfam, UK. 1991. p. 18-150. <https://policy-practice.oxfam.org/resources/changing-perceptions-writings-on-gender-and-development-122765/>

16. Buisson MC, Clement F, Leder S. Women's empowerment and the will to change: Evidence from Nepal. *Journal of Rural Studies*. 2022;128-39. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2022.06.005>

17. Arshad F, Shahnawaz M. South Punjab's economic development in the perspective of women's empowerment. *Perennial Journal of History (PJH)*. 2022;69-90. <https://doi.org/10.52700/pjh.v3i1.101>

18. Wei W, Sarker T, Żukiewicz-Sobczak W, Roy R, Alam GMM, Rabbany MG, Hossain MS, Aziz N. The influence of women's empowerment on poverty reduction in the rural areas of Bangladesh: Focus on health, education and living standard. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 2021;1-18. <https://doi.org/10.3390%2Fijerph18136909>

19. Kosec K, Akramov K, Mirkasimov B, Song J, Zhao, H. Aspirations and women's empowerment: Evidence from Kyrgyzstan. *Economics of Transition and Institutional Change*. 2022;30(1):101-34. <https://doi.org/10.1111/ecot.12302>

20. Coley C, Sheshadri S, Devanathan S, Bhavani RR. Contextualizing women's empowerment frameworks with an emphasis on social support: A study in rural, South India. *Community, Work & Family*. 2021;1-20. <http://dx.doi.org/10.1080/13668803.2021.1879021>

21. Abbas S, Issac N, Zia M, Zakar R, Fischer F. Determinants of women's empowerment in Pakistan: evidence from demographic and health surveys, 2012-13 and 2017-18. *BMC Public Health*. 2021;1-14. 0.1186/s12889-021-11376-6. PMID: 34229626; PMCID: PMC8259000. <https://bmcpublihealth.biomed-central.com/articles/10.1186/s12889-021-11376-6>

22. Ismail EAA. Using exploratory and confirmatory factor analysis in measuring gender and women's empowerment in Egypt. *Journal of System and Management Sciences*. 2020;1-19. :10.33168/JSMS.2020.0301 <https://www.aasmr.org/jsms/Vol10/Vol.10.3.1.pdf>

23. Spark C, Sharp TLM, Koczberski G. Relationality and economic empowerment: The role of men in supporting and undermining women's pathways. *The Journal of Development Studies*. 2020;1-17. 10.1080/00220388.2020.1850697 <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00220388.2020.1850697>

24. Kalhori S, Mohammadian F. Investigating the relationship between financial access and women's economic empowerment in Middle Eastern countries. *Women in Development and Politics*. 2021;20 (2):165-82. [Persian]. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.334293.1008116>

25. Sayami Q, Sattarivand M. Strategic analysis of the empowerment strategies of women heads of households in informal settlements with an emphasis on entrepreneurship. Case study: Ansar and Arvand neighborhoods in Shahid Rajaei town of Mashhad. *Women in Development and Politics*. 2021;405-27. [Persian]. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.321773.1007993>

26. Hosseini M. Thematic analysis of women's social development with emphasis on sustainable empowerment. *Iranian Journal of Social Development Studies* 2019;13 (49):185-98. [Persian]. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jisds/Article/821832/FullText>

27. Jahanbin R, Babai Agdam F, Roostaei S, Asghari Zamani A. Analysis and measurement of economic factors affecting women's empowerment in urban slums (Case study: Informal settlements of Ilam city). *Human Geography Research*. 2019;52 (1):303-21. [Persian]. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2018.258395.1007707>

28. Keshavarzi F, Shamshiri B. The practical model of development of women's empowerment in Iranian society: A combined research. *Women in Development and Politics* 2019;18 (3):463-84. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.300983.1007816>

29. Corbin J, Strauss A. Basic of qualitative research, Teqniques and producers for developing Grounded Theory, New York City, USA, SAGE Publications, Inc. 2021. 334 p. [Persian]. <https://doi.org/10.4135/9781452230153>

31. Creswell JW, Poth CN. Qualitative inquiry and research design choosing among five approaches. New York City, USA, SAGE Publications, Inc. 2014. 320 p. [Persian]. <https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/qualitative-inquiry-and-research-design/book266033>